

اعلامیه مطبوعاتی

رفع، مرزی میان غیرت امت و خیانت حکام!

(ترجمه)

در صحنه‌ای تکراری که با هر فاجعه‌ای در حق مردم مظلوم و محاصره‌شده غزه تکرار می‌شود، بار دیگر ثابت شد که رژیم‌های عربی و در رأس آن‌ها رژیم مصر نه‌تنها از انجام مکلفیت اسلامی و انسانی خود در حمایت از غزه غافل‌اند، بلکه در موضع توطئه، خیانت و مشارکت مستقیم در محاصره این سرزمین مظلوم قرار دارند. این رژیم‌ها با نگهبانی از گذرگاه‌ها و جلوگیری از هرگونه حرکت مردمی یا نمادین در راستای یاری مظلومان، به ابزاری در دست دشمنان امت تبدیل شده‌اند.

در تازه‌ترین اقدام شرم‌آور، در تاریخ ۱۱ جون ۲۰۲۵ م، رژیم مصر ۱۲ فعال مراکشی را که به‌طور قانونی وارد فرودگاه قاهره شده بودند و قصد شرکت در «راهپیمایی جهانی به‌سوی غزه» را داشتند، به‌صورت تحقیرآمیز اخراج کرد. این قافله نمادین، با دعوت فعالانی از کشورهای مختلف عربی و غیر عربی، با هدف جلب توجه جهانی به رنج‌های غزه تحت محاصره و کشتار پیوسته، شکل گرفته بود. اما مصر، که تنها گذرگاه باز به سوی غزه را در اختیار دارد، نه‌تنها از آنان استقبال نکرد، بلکه برخوردی امنیتی، توهین‌آمیز و همراه با بازداشت و اخراج فوری در پیش گرفت.

این فعالان هیچ سلاحی نداشتند، دعوت به خشونت نکرده بودند، بلکه تنها آمده بودند تا همبستگی خود را با مردمی که صبح و شام زیر بمباران هستند، ابراز کنند. با این حال، در فرودگاه محاصره شدند، با پرسش‌هایی تحقیرآمیز مورد بازجویی قرار گرفتند و بین بازداشت یا اخراج مخیر شدند؛ گویی در قاموس این رژیم، ابراز همدردی با مردم غزه به‌مثابه جنایت است!

نی‌توان این اقدام را حادثه‌ای اتفاقی یا صرفاً مرتبط با مقررات مرزی دانست، آن‌گونه که وزارت خارجه مصر ادعا کرده است؛ چراکه همگان می‌دانند گذرگاه رفع کاملاً در اختیار مصر است و نظام قاهره هرگاه بخواهد می‌تواند آن را بگشاید یا ببندد. اما این اختیار هیچ‌گاه در جهت یاری مردم غزه به کار نرفته و همواره ابزاری برای فشار و محاصره بوده‌است که تحت عنوان "حاکمیت ملی" اجرا شده و عملاً به خدمتی برای تأمین امنیت رژیم یهود تبدیل شده‌است.

رژیمی که مانع ورود کمک‌های انسانی می‌شود، قافله‌های نمادین را متوقف می‌کند، تظاهرات همبستگی را سرکوب می‌کند و خشم عمومی را تهدید امنیتی قلمداد می‌نماید، دیگر نمی‌تواند با بهانه ناآگاهی یا ناتوانی خود را تبرئه کند؛ بلکه به‌صراحت شریک جرم در این جنایت است.

رها کردن مسلمانان غزه در برابر قتل، محاصره، گرسنگی و ویرانی بدون حمایت امت اسلامی جایز نیست؛ به‌ویژه کسانی که توان یاری دارند. رژیم مصر با ارتش و امکاناتش، از جمله نزدیک‌ترین و توانمندترین‌ها در انجام این مکلفیت است، و سکوت او نه‌تنها قابل قبول نیست بلکه گناهی بزرگ است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ [انفال: ۷۲]

ترجمه: اگر (مؤمنان از دست ظلم و جور دیگران) به سبب دین‌شان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است.

پس اگر صرف درخواست کمک، یاری را واجب می‌سازد، چگونه است حال‌وهوای مردمی که بارها فریاد استغاثه سر داده‌اند و امت اسلامی نیز بارها آمادگی خود را برای حمایت از آنان اعلام کرده است؟

رژیم مصر نه‌تنها آنان را یاری نکرد، بلکه حتی اجازه همدردی را نیز نداد. از آن تأسف‌بارتر، این که این رژیم، نه فقط متخلف، بلکه معطل‌کننده هر حرکت همدلانه‌ای است؛ حتی آن‌هایی که هیچ تهدیدی برای حکومتش ندارند. گویی که همبستگی با غزه در نگاه این رژیم، "تهدیدی امنیتی" به شمار می‌رود، و این یعنی او به‌صراحت تصمیم گرفته در کنار دشمن امت قرار گیرد و مسئله فلسطین را باری مزاحم می‌داند که باید صدای آن خاموش شود.

در حالی که مردم مظلوم غزه در محاصره و زیر آتش دشمن قرار دارند، آنچه بر ارتش مصر و رژیمی که تصمیمات سیاسی و نظامی در اختیار اوست واجب است، نه بستن گذرگاه‌ها و جلوگیری از کاروان‌ها، بلکه گشودن قاطعانه مرز رفع، شکستن محاصره غزه، کوبیدن بر دژهای دشمن یهود و آزادسازی کامل سرزمین فلسطین

است؛ نه ایستادن بی‌سوی جریب‌البحر و انتظار اجازه از امریکا یا رضایت تل‌آویو!

فلسطین سرزمین اسلامی است که اشغال شده و آزادسازی آن مکلفیت شرعی و قطعی برای تمام مسلمانان است، به ویژه ارتش‌های آنان. این مکلفیت با گذشت زمان ساقط نمی‌شود و با توسل به معاهدات خائنانه بین‌المللی نیز قابل چشم‌پوشی نیست. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فُكُّوا الْعَانِيَّ» یعنی: اسیر را آزاد کنید. پس ارتش‌ها کجا هستند از آزادسازی هزاران اسیر در زندان‌های رژیم یهود؟ کجا هستند از نجات محاصره‌شدگان در غزه؟ مرزها به زندانی بزرگ تبدیل شده‌اند که به نام "حاکمیت ملی" بسته شده‌اند؛ و این حاکمیت اگر مانع یاری مسلمانان به برادران‌شان باشد، قطعاً نسبی با اسلام ندارد.

اقدامی که فعالان انجام دادند، گرچه رمزی و نمادین بود و مستقیماً از بار غزه نمی‌کاهد، اما نشان‌دهنده بیداری و آگاهی امت اسلامی است. امتی که نه قضیه‌اش مرده و نه مکلفیتش را فراموش کرده است. مشکل اما در ملت‌ها نیست، بلکه در رژیم‌هایی است که پاسدار رژیم یهود شده‌اند، چه در خفا و چه در علن با آن عادی‌سازی کرده‌اند، و امروز در صف دشمنان امت علیه دین، عقیده و قیام ملت ایستاده‌اند.

رژیم مصر دیگر در موضع بی‌طرفی نیست، بلکه به یک طرف فعال در معادله خفگی و محاصره غزه تبدیل شده است. حتی نقش آن در این جنایت از بسیاری جهات از جنایات یهود پیشی گرفته؛ چراکه حتی نسیم رحمت و انسانیت را نیز از رسیدن به غزه منع می‌کند. فعالان را سرکوب، خبرنگاران را تعقیب، همبستگان را اخراج و صداهای آزاد را خاموش می‌سازد؛ چراکه می‌داند هر صدای آزاده تهدیدی است برای سلطه ذلیل و وابسته‌اش.

یکی از مصیبت‌های بزرگ به‌جامانده از مرکزکشی استعماری «سایکس-پیکو» ایجاد مفهوم ساختگی «حاکمیت قطری» بود؛ مفهومی که بر اساس آن، مسلمان مراکش در مصر بیگانه محسوب می‌شود، مسلمان مصری در شام غریبه است، و مسلمان اردنی در فلسطین «بیگانه‌ی مداخله‌گر» به شمار می‌آید. این در حالی است که اسلام امت را یکی دانسته، مرز و گذرنامه و ویزا را به رسمیت نمی‌شناسد. آیا یک مسلمان مراکشی برای رسیدن به سرزمین فلسطین باید ویزا بگیرد؟ آیا باید درباره نیت همبستگی‌اش بازخواست شود؟! یا اینکه در منطق رژیم‌های مزدور، یاری‌رسانی جرم و خیانت، افتخار است؟!

آنچه در فرودگاه قاهره رخ داد، یک حادثه عادی نیست، بلکه یکی از علائم بیماری مزمنی است که رژیم مصر را گرفتار کرده: خیانت به امت و عقیده‌اش، و پیوستن به پروژه امریکایی-صهیونیستی برای نابودی مسئله فلسطین. این رژیم را نه اصلاح‌های جزئی و نه نصیحت اصلاح می‌کند، بلکه تنها با ریشه‌کن کردن آن و برپایی نظامی جایگزین، یعنی خلافت راشده بر منهج نبوت، می‌توان امید به نجات داشت؛ خلافتی که لشکرهايش را برای آزادسازی اقصی به حرکت درمی‌آورد و پرچم اسلام را برافراشته می‌سازد.

ای جوانان امت، به ویژه شما ای سربازان مصر! بدانید که راه فلسطین نه از التماس به رژیم‌ها می‌گذرد، و نه از کاروان‌های نمادین، با آنکه آن‌ها نشان بیداری‌اند؛ بلکه از تغییر بنیادین در سرزمین‌های اسلامی می‌گذرد، با برپایی دولت اسلامی‌ای که جز پیروزی یا شهادت نمی‌شناسد.

ای سربازان سرزمین کِنانه (مصر) آزادی فلسطین امانتی بر دوش شماست. پس از ایمان، چیزی واجب‌تر از انجام این مسئولیت نیست. اخراج نظامیان بیگانه از سرزمین‌های اسلامی مکلفیتی است که ابتدا بر عهده شماست. هرگاه دشمن به سرزمین اسلامی حمله کند یا آشکارا برای تهاجم آماده شود، جهاد بر همگان واجب می‌گردد. اگر دشمن بر سرزمینی چیره شود، ساکنان آن سرزمین حکم اسیر دارند و جهاد از آن‌ها ساقط می‌شود، اما برای مسلمانان اطراف همچنان واجب است. چون نظام حاکم مانع جهاد است، و «آنچه بدون آن واجب انجام نمی‌پذیرد، خود نیز واجب است»، پس سرنگونی این رژیم، برای بازگرداندن جهاد و آزادسازی سرزمین‌های اسلامی، نیز یک واجب شرعی است. و پیش از آن، باید بزرگ‌ترین فریضه را احیا کرد: حاکمیت اسلام در قالب خلافت راشده بر منهج نبوت.

ای سربازان کِنانه! شما در گذشته و حال، سپر امت بوده‌اید، سلاح امت در دستانش. آزادی‌تان را بازپس بگیرید، به امت‌تان پیوندید، زنجیرهای حکام را از خود باز کنید، القاب و حقوق و منافع‌شان را به دور افکنید و دست در دست کسانی بگذارید که شما را به سوی جنتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین است، رهبری می‌کنند. این راه، بهترین و پایدارترین راه نزد الله سبحانه و تعالی است. با آنان هم‌دوش شوید، بار امت را بردوش بگیرید و سلطه‌اش را در سایه اسلام و دولت خلافت راشده از نو احیا کنید.

﴿وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ [النساء: 75]

ترجمه: چرا باید در راه الله و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره نجنگید!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایة مصر